



۲۰۱۳/۰۵/۰۹

عبدالحكيم سامع

مکتی بر «ثبت یک رویداد ۵۰ سال قبل» به ارتباط نظرخواهی جناب عبدالحكيم سامع

جناب محترم سید خلیل الله هاشمیان، تحت این عنوان، حکایتی را از «۵۰ سال قبل» نوشته اند، که در مورد حرفی ندارم. از اینکه تذکر داده اند، که «به ارتباط نظر خواهی جناب عبدالحكيم سامع» می نویسند، در حالیکه معلومات ایشان راجب یافتن، و قبلاً هم، خدمت هموطنان خواننده بعرض رسانیده بودم، که مطلب را تحت این عنوان نوشتم، اما فکر آن نبودم، که مسؤولین محترم پورتال افغان جرمن آنلاين، این مطلب را در دریچه «نظر سنجی» قرار خواهند داد. وقتی ایشان چنین اقدام نمودند، مخالفت نداشته ام، بلکه مانند سائر هموطنان در ادامه بحث، تا حد درک و توان و تا جائیکه لازم دانستم، سهم گرفته ام. در آینده نیز، اگر ضرورت بود، نظر خود را باز هم ارائه خواهم داشت.

جناب محترم هاشمیان!

شما علاوه از اینکه از «پشتی مجله...» یاد نموده اید. باور کنید، اینجانب در زندگی ام این مجله را ندیده ام و اگر هم می دیدم، یقین داشته باشید که بر برداشت اینجانب درین مورد، اثر گذاشته نمی توانست، حال هم اگر برداشت شما، چنین باشد، به نظر شما احترام ادا میکنم ولی آنرا قبول نمی کنم، بنابر دلایل عدیده:

شما از کدام شخصیت علمی یک کشوری نام می برید که از سال ۱۶۰۰م ببعده، انگلیس ها نخست در قسمت شرقی، بخاطر تسخیر آن، که «نیم قاره هند» نیز یاد می نموده اند، قدم گذاشته، آنرا به مستعمره خود در آوردند، تا سال های بعد از جنگ دوم جهانی ادامه داشت. اصلاً برای همین هدف رفته بودند. این نیم قاره توسط «معاون پادشاه انگلیس» اداره می شد که بقول معروف «آفتاب» در «مستعمرات» آن قدرت استعماری بزرگ «غروب نمی کرد.» «هندوستان» تا وقتی که به آزادی آن رسید، بنام «هند برتانوی» یاد می شد. در زمان استعمار کهنه، بعد از «اشغال»، قلمرو ها را انگلیس ها و دیگر استعمارگران، «ملکیت» خود، می دانستند و اعمال خود را «قانونی» تلقی می نمودند. آن دوران «کلونیالیزم» یا «استعمار قدیم»، جز تاریخ شده است.

در معلومات ارائه شده مطلب اولی اینجانب، «فکت هایی» تذکر رفته است که اولاً از شرایط جنگ «داخلی» در افغانستان یاد آوری بعمل آمده است. در عین حال همه آگاه اند، که افغانستان در چه وضعیتی قرار داشته است. در ارزیابی های مطبوعاتی، در باره وضع حاکمیت طالبان چنین گزارش میدادند:

«از سال ۱۹۹۶م الی ۲۰۰۱م، «القاعده اوساما بن لادن» و «ایمان الظواهری»، به مثابه «بیک دولت در داخل دولت طالبان» مبدل گردیده است. منجمه «القاعده» به ایجاد یک سلسله مراکز تعلیمی نائل آمده است، که «هزاران اسلامیت» از کشور های مختلف را تعلیم می داده اند. آنچه قابل توجه است، از جمله ۴۵۰۰۰ عسکری که بر ضد اتحاد شمال در داخل افغانستان می جنگیده اند، فقط ۱۴۰۰۰ آنرا افغان ها، تشکیل می داده اند.» در روز های قبل از سقوط «طالبان»، این گروپ قریب ۹۰ فیصد خاک کشور را تحت کنترل داشته است.»

http://de.wikipedia.org/wiki/Krieg_in_Afghanistan_seit_2001

همچنان توجه به این مطلب صورت گرفته است: «در همان روز ۱۲ سپتمبر ۲۰۰۱م، «شورای سازمان اتلاننیک شمالی (ناتو)» نیز تشکیل جلسه داده، حادثه ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱م را، حمله بر یکی از دولت های «ناتو» تعریف نمودند، در صورت صدق این امر، که از خارج خاک ایالات متحده رهبری شده باشد. «

د پاپو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راپورولو مخکې په خیر و لولئ

بناءً وقتی دولت ایالات متحده آمریکا به حیث «یگانه قدرت بزرگ جهان»، کشور خود را مورد تجاوز دید و در عین زمان، قوی ترین، عضو یگانه پیمان نظامی قدرتمند است، که از حمایت اعضای پیمان هم برخوردار است، «جنگ» را تحت نام «جنگ با تروریسم» از افغانستان، آغاز می کند، طبیعی است که همه، از قوت نظامی کار می گیرند و حضور قوای نظامی نوع «اشغال» را نشان می دهد. عملیات های نظامی، نیازمندی ها و سازماندهی آنها، تخصص اینجانب نیست. در اینجا نیازی به تفصیل نیست. برای اینجانب مطرح نیست که چه کسی در رأس قدرت در افغانستان قرار دارد و دولت و دستگاه آن دارای چه قابلیت است. می شود «حق» یا «ستیتس» داشته باشد، اما از آن کارگرفته نتواند. این هم موضوع مطرح شده نزد اینجانب نبوده است. می خواستم بدانم، که آیا کدام سند «اسارت»، که «استقلال سیاسی» کشور را سلب نموده باشد، وجود دارد؟ از جانب دیگر این برخورد های نظامی، خسارات عظیم «جانی و مالی» را باخود داشته است، موضوع غم انگیز است، اما قید کشور را در «مستعمره»، اعلان نداشته اند. اینجانب در حضور همین قوای خارجی تا اکنون سندی را ندیده ام که مانند دوران استعمار کهنه هر یکی از این کشورها، ادعای «اسارت» گرفتن کشور ما را داشته باشند. فقط تذکر می دهند، که برضد لانه های «تروریستی» عمل می کنند، تا دوباره افغانستان، به مرکز فعالیت آنها مبدل نگردد. دیگر همه مسائل را خود، می دانید. یاد آوری می گردد، که در نتیجه «کنفرانس بن» به کمک مجامع بین المللی نخست، «اداره مؤقت» تشکیل گردید. بعد سیستم دولتی. حال تاریخ خروج، بر طبق جدول زمانی معلوم است. در عین زمان همین دولت را برای گرفتن مسؤولت تدریجی، آماده ساخته اند، مصارف پولی و تعلیم دهی را با وسایل لازم در اختیار وی قرار داده اند. حین ارزیابی، هدف اینجانب، موقف حلقات و سازمان هایی نبوده است، که موضعگیری «سیاسی – آیدیالوژیک» بخصوص خود را دارا اند. برخوردهای بی شمار این دول و نکات فوق که تذکر داده شد، هم حقایقی اند، که تفاوت آنرا نسبت به دوران «استعمار کهنه» نشان میدهد. باز هم تکرار می گردد که شما، مثالی را از یک کشوری با سابقه دیرینه مستعمره یاد می کنید که با اعلان انگلیس از قید استعمار رها شده است، اما اینجانب در جست و جوی سند «استعماری» هستم که آیا در نتیجه حضور قوای خارجی و یا «اشغال توسط آنها»، حاصل شده است و یا خیر؟

پایان

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ